



مبانی فقهی و ضوابط حاکم بر سرمایه گذاری خارجی

محمدصادق رضازاده¹ رضا نجف لو²

چکیده :

در مباحث اقتصاد اسلامی از مال و ثروت، مالکیت، کسب و کار، تلاش و فعالیت های اقتصادی بحث های زیادی شده است لیکن به مقوله سرمایه گذاری و به ویژه سرمایه گذار خارجی با تعاریف مدرن آن به عنوان یک نهاد مستقل نگریده نشده و ادله ای در رد یا تأیید آن وارد نشده است و با توجه به جامعیت دین اسلام و ظرفیت احکام دینی و فقهی در خصوص امکان صدور احکام متناسب و با تأثیرپذیری از مقتضیات زمان و مکان در زمینه مسائل مورد نیاز جامعه و حتی مسائل مستحدثه و انطباق احکام دینی، امروزه ضروری است موضوع سرمایه و سرمایه گذاری بیش از پیش مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد. در این مقاله تلاش می شود در حد امکان به مبانی فقهی سرمایه و سرمایه گذاری پرداخته شده و به این سوالات پاسخ داده شود که ضوابط حاکم بر مالکیت و تولید ثروت و سرمایه گذاری در اصول حاکم بر اقتصاد اسلامی کدامند؟ و چه ضرورتی برای تشویق فعالیت های اقتصادی وجود دارد؟ و با لحاظ اینکه امروزه تقویت و ایجاد قدرت های سیاسی بزرگ در دنیا نیازمند تقویت و ایجاد قدرت های بزرگ اقتصادی است و می توان گفت: تقویت و تشویق تلاش و کسب و کار حلال و استفاده از فرصت ها و ایجاد ارزش اقتصادی از موقعیت های مختلف، ضرورتی اجتناب ناپذیر است و این فرضیه مطرح می شود که کشور ایران پتانسیل های طبیعی، اقتصادی و حقوقی لازم برای تقویت فعالیت های اقتصادی مردم و جامعه را دارد و با بهره مندی از نهاد اجتهاد و استفاده از فرمول های حقوقی و شرعی، امکان تقویت بنیانهای اقتصادی کشور وجود دارد. برای نیل به توسعه همه جانبه و حفظ عزت و استقلال و اقتدار اقتصادی کشور، نیازمند رفع فقر و پیشگیری از معضلات اجتماعی است که این مهم از طریق حمایت از سرمایه و صاحبان سرمایه و کارآفرینان و با اشتغالزایی امکان پذیر است که در این زمینه حضرت علی(ع) در یکی از نامه هایشان به مالک اشتر می فرمایند: «سفرارش مرا به نیکی نسبت به بازرگانان و صنعتگران بپذیر و در حق آنان به کارگزارانت به نیکی توصیه کن، زیرا آنان مایه های منافع و فراهم آوردن اسباب آسایش جامعه هستند» و بر خلاف تصور عده ای صاحبان سرمایه، زالو صفتان و خون آشامان جامعه نیستند بلکه آنان می توانند فکر، سرمایه مادی و معنوی خود را در جهت شکوفایی و توسعه جامعه بکار گیرند. و حتی قانون تشویق سرمایه گذاری خارجی ایران مصوب 1381 که به لحاظ قانونی به تأیید شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است (و علی الاصول مغایرتی با شرع و قانون اساسی ندارد)، جذب سرمایه گذاری خارجی و تأمین منابع مالی ایرانیان خارج از کشور و خارجیان را برای توسعه اقتصادی کشور پیش بینی نموده است و به هیچ وجه این موضوع منافاتی با قاعده نفی سبیل که در آیه 141 سوره نساء (که هر گونه استیلا و سلطه کافران بر مومنان را ناشدنی می داند)، ندارد و البته برای کنترل سرمایه های خارجی و پیشگیری از استثمار و سلطه خارجیان همانند هر کشور دیگری مکانیزم هائی پیش بینی نموده است.

در این مقاله در فصل اول مبانی فقهی اقتصاد اسلامی و سرمایه گذاری و در فصل دوم ضوابط حاکم بر اقتصاد اسلامی و در فصل سوم ضرورت بهره گیری از سرمایه گذاری خارجی مورد بررسی قرار می گیرد.
کلید واژگان: اقتصاد اسلامی، فقه، سرمایه گذاری خارجی، کسب و کار حلال

1. قاضی دادگستری - دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب

2. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی



فصل اول

مبانی فقهی اقتصاد اسلامی و سرمایه گذاری

اقتصاد اسلامی مجموعه ای از قوانین، نظریات، نهادها و الگوهای مورد قبول شریعت اسلامی است که در رابطه با مسائل تولید، توزیع و مصرف ارائه شده اند و در همه آن ها تامین عدالت اجتماعی تعقیب می شود و فقه اسلامی، تنظیم بخش هایی از مجموعه مذکور را به عهده دارد و با روش های خاصی چون روش اجتهاد، نظریات و قوانین مربوط را ارائه می نماید و از آن جا که حقوق اقتصادی در دسترس محققین اقتصادی است و به روش اجتهاد از منابع فقهی قابل دست یابی است، از طریق حقوق اقتصادی اسلام، می توان نظر اسلام را کشف کرد.

در منابع فقهی، احکام و قوانین اسلامی همه منتسب به خداوند متعال می باشد. برخی از آن ها در قران کریم به وضوح تبیین شده است و مابقی یا در روایات آمده و یا حاصل اجتهاد از منابع اصلی است. منابع اصلی استنباط احکام اسلامی قرآن، سنت، عقل و اجماع می باشند و تدوین نظام اقتصادی اسلام با جمع آوری و ترجمه چند آیه یا روایت قابل بیان نیست بلکه برای شناخت کامل و دقیق احکام آیات و منابع دیگر از روش اجتهاد می توان بهره گرفت و حاصل بحث شیوه تدوین مکتب اقتصادی اسلام با سایر مکاتب را متفاوت می دارد؛ زیرا این مکتب مبتنی بر آیات، روایات، احکام، مفاهیم و ادله عقلی است و مبنای وحیانی دارد، و مکاتب غیر الهی با آرمان ها و خواست عمومی تاسیس می گردند و از آن جا که در مکتب و حقوق اقتصادی اسلام از روش اجتهاد استفاده می شود این روش در کشف مکتب اقتصادی و اصول حاکم بر آن و تنظیم حقوق اقتصادی، نقش مهمی را داراست از این رو که مکتب اقتصادی اسلام مجموعه ای هماهنگ از نظریه های اساسی اقتصادی است که با توجه به اصول و ارزش های مورد نظر جامعه و با هدف حل مشکلات اقتصادی تنظیم می گردد شامل مسائلی همچون قلمرو مالکیت، آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی است که نیازمند ساختن زمینه ها، تعمیم احکام اسلام در بهره گیری از منابع مالی است.

در اهمیت سرمایه گذاری، کمیابی و محدودیت های منابع و سرمایه، انسان را بر آن داشته است تا رابطه ی خود را با منابع مالی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و با مدیریت منابع کمیاب و با پیشرفت تکنولوژی و افزوده شدن نیازهای مادی انسان ها، ناچار به برنامه ریزی و تلاش برای فراهم ساختن زمینه از سایر منابع مالی در تولید و ادامه حیات و تامین نیازمندی های زندگی برآید.

نقش اساسی فقه در رابطه با اقتصاد و ارائه راه کارهای مناسب برای تنظیم روابط اقتصادی و تدوین ضابطه در مقررات اقتصادی در امور راجع به حقوق اموال و تجارب و حقوق محیط زیست و تدوین حقوق اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و ایجاد نظم و امنیت در تمام شئون و بهره گیری از قواعد و ضوابط و اصول احکام را در تعارض مصلحت جامعه با منافع افراد، نمایان شده و اهمیت می یابد. و قواعد فقهی که قواعدی بنیادی و کارآمد در تدوین قوانین به ویژه قوانین اقتصادی به شمار می آیند و در فقه اسلامی درستی و نادرستی احکام و مقررات مورد استنباط به وسیله آن محک زده می شود و احکام سازگار با آن مورد تایید قرار می گیرد و زمینه های لازم را برای تحقق عدالت اجتماعی در سایر قوانین با روح عدالت اجتماعی سازگار می سازد طبق قاعده نفی ضرر " لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" ^۱، ابعاد وسیعی را می توان از دیدگاه عقل، اثبات کرد. از جمله تدوین مقررات اقتصادی راجع به حقوق اموال و تجارت و حفاظت از محیط زیست و تدبیر برای ایجاد امنیت اقتصادی و سرمایه

^۱ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۷، باب ۱۰۱، از ابواب ارب، حدیث ۱۰.



گذاری که در نهایت محوری برای برنامه ریزی های اقتصادی می باشد.^۲ و برابر قاعده نفی سبیل « و لن يجعل الله للكافرين على المومنين سيلاً »^۳ تدوین حقوق اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و منع سلطه بیگانه بر منابع و دیگر شئون در تنظیم قراردادهای مالی ترسیم می شود.^۴ و قاعده نفی عسر و حرج «یرید الله بكم اليسر و لا یرید بكم العسر»^۵، هر گونه سختی و مشقت غیر متعارف را از صحنه زندگی انسان طرد می کند می تواند کار و نیروی فکری و جسمی انسان را که بزرگ ترین عامل رشد، توسعه پایدار در هر جامعه به حساب می آید. به سمت حرکتی متوازن و معقول هدایت کند و به جریان رشد و توسعه سرعت بخشد.^۶

و قواعد فقهی خاص دیگر نیز که منحصراً در باب اقتصاد کاربرد دارند می توان به قاعده اتلاف، قاعده حیات و قاعده تسلیط اشاره نمود. قاعده اتلاف آیه «و جزاء سیئه سیئه مثلهها»^۷ علاوه بر حرمت شرعی اتلاف مال غیر، ضامن خسارت های وارد شده نیز می باشد.^۸ و مطابق قاعده حیات که پیامبر (ص) فرموده « من سبق الی مالهم یسبقه الله مسلم فهو احق به »^۹ جواز ایجاد سلطه بوسیله کار اقتصادی به منظور بهره برداری از اشیای مباح طبیعت است.

در نهایت، قاعده سلطنت مشهور ترین قواعد فقهی در زمینه اقتصادی و سرمایه گذاری می باشد، فرمایش پیامبر (ص) «الناس مسلطون علی اموالهم» که در فقه اسلامی منشاء قانونی برای ظهور آزادی های اقتصادی است که شامل کلیه اموال، منافع و انواع مالکیت می باشد.

فصل دوم

ضوابط حاکم بر اقتصاد اسلامی و سرمایه گذاری

شهید محمدباقر صدر ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی را متشکل از سه اصل اساسی می‌داند، که بر طبق آن محتوای سیستم اقتصاد اسلامی مشخص می‌شود.

- ۱- شوری، آیه ۴۰.
- ۲- مکارم شیرازی، ناصر؛ القواعد الفقهیه؛ ج ۲ ص ۱۹۳.
- ۳- انصاری، مرتضی، مکاسب: کتاب البیع ص ۱۶۱.
- ۴- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ جلد ۲ ص ۲۷۲ حدیث ۷.
- ۵- برگرفته از مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. محمد مهدی کرمی، محمد پورمند. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه صص ۴۷ و ۴۸.

^۲ برگرفته از مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. محمد مهدی کرمی، محمد پورمند. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه صص ۳۲، ۳۱.

^۳ نساء. آیه ۱۴۱.

^۴ بجنوردی، سید محمد کاظم؛ القواعد الفقهیه؛ ج ۱ ص ۱۶۷.

^۵ برگرفته از مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. محمد مهدی کرمی، محمد پورمند. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه صص ۴۲ و ۴۳.

^۶ بقره، آیه ۱۸۵.



این سه اصل عبارتند از:^۷

۱- مالکیت

۲- آزادی اقتصادی در کادر باورهای دینی

۳- اصل عدالت اجتماعی

که در ادامه مطالب این فصل به توضیح و تبیین آن می‌پردازیم.

هم چنین آیت الله مظاهری در زمینه زیربناها و پایه‌های اصلی اقتصاد اسلامی از ده عنوان، کرامت انسانی، آزادی همه جانبه در انتخاب شغل، تولید و توزیع، مواسات اخلاق، ایمان به مبدا و معاد، بشر دوستی، کار، اختصاص وضع قانون به خداوند، نظارت ملی و بالاخره زعامت و حکومت، نام می‌برد.^۸

استاد شهید مطهری اصول اولیه پیشنهادی برای علم اقتصاد را در عدل و مساوات، پرهیز از استثمار و رعایت حقوق طبیعی و تکوینی می‌داند. ایشان همچنین تحت عنوان اصول متعارف موضوعه قوانین و مقررات اقتصادی از شش اصل نام می‌برد که عبارتند از:

۱- اقتصاد باید به نحوی که موجب ازدیاد ثروت شود، راکد و ثابت نباشد، متکامل باشد و حداکثر استفاده از عامل طبیعت و عامل انسانی را بنماید.

۲- عدالت و مساوات را رعایت کند.

۳- در آن فردی، فرد دیگر را استثمار نکنند.

۴- حقوق طبیعی افراد را رعایت کند.

۵- به آزادی افراد در انتخاب کار احترام گذاشته شود.

۶- آزادی‌ها منحصر به اخلاق و معنویت بشر باشد.

۱- مالکیت خصوصی در اسلام

اسلام به انسان به عنوان موجودی که دارای فطریات و غریزه‌های اجتماعی می‌باشد می‌نگرد و یکی از غرایز، تملک و دوست داشتن مال و دارایی می‌باشد. و در بسیاری از آیات قرآن و احادیث، به این موضوع توجه و عنایت شده است. خداوند تعالی در سوره فجر می‌فرماید:

«و تاكلون التراث اكلا لما و تحبون المال حبا جما» (فجر - ۱۹ و ۲۰)

احترام اسلام به مالکیت به صورت روشن و واضح از حرمت مالی که موضوع مالکیت می‌باشد، آغاز می‌گردد. چنانکه شریعت اسلام مال را جزء مقاصد پنجگانه^۹ آورده که حفظ آن واجب می‌باشد. و همچنین هرگونه تجاوزی را به این مال نهی می‌نماید، که در این زمینه به بیانات عام، فقط اکتفا نمی‌نماید، بلکه به صورت اختصاصی انواع تجاوزات به لحاظ اهمیت موضوع و آثار مترتب بر آن، بیان می‌دارد.

^۷ . شهید صدر، محمدباقر - اقتصاد ما - ج ۱ - ص ۳۵۸.

^۸ . سبحانی، حسن - نظام اقتصادی اسلام - نشر سازمان تبلیغات اسلامی - ۱۳۷۳ - صفحات ۳۴-۳۶.

^۹ . این مقاصد شامل: دین، جان، عقل، آبرو و مال می‌باشد.



چنانکه در سوره بقره آمده است: «و لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل و تدلوا بها الى الحکام لتاكلوا فريقا من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون» (بقره - ۱۸۸).

و همین گونه سرقت را حرام گردانید و مجازات وحشتناکی را برای آن مقرر می‌فرماید.

«والسارق و السارقه فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا نكالا من الله، و الله عزيز حكيم»، (مانده ۳۸).

و غصب مال را حرام گردانید و غاصب را ملعون و محروم از رحمت خدا دانسته است. و اینکه اسلام به تعیین مقررات برای مالکیت می‌پردازد به جهت دو امر مهم می‌باشد که عبارتند از:

الف) طغیان مال بر نفس و هوای نفسانی مالک آن و استبداد به آن

«کلا ان الانسان ليطغى، ان رءاه استغنى» (علق، ۶ و ۷).

ب) فقر است که دارای آثار مخرب فردی و اجتماعی می‌باشد که عزت و قوت نفس را از فرد محتاج و نیازمند می‌زهداید و وی را به جایی می‌رساند که به خواری و ذلت رضایت دهد، بلکه او را به سوی ارتکاب جرائم انجام رذائل می‌کشاند. چنانکه پیامبر (ص) می‌فرماید: خداوند، من از کفر و فقر به تو پناه می‌آورم.

مالکیت عمدتاً به وسیله راه‌های زیر ایجاد می‌گردد:

۱- زراعت و احیاء اراضی اموات

۲- کار و تلاش

۳- قراردادهایی که ناقل مالکیت می‌باشد مانند بیع - هبه و ...

۴- جانشینی به واسطه ارث یا وصیت

که البته، منشأ اصلی ایجاد درآمد و مالکیت خصوصی کار است، هر فردی حق دارد از طریق تلاش و کوشش خویش^{۱۰} و یا سایر طرقی که شارع مقدس به رسمیت شناخته است (در بالا ذکر شده است)

مالک اعتباری^{۱۱} و یا مالک تمامی عوامل تولید باشد و در این ارتباط هیچ محدودیتی بجز همان محدودیت‌هایی که فقدان آنها نافی تامین مصالح اجتماعی است وجود ندارد. این مالکیت که مطابق با ضوابط و قواعد اسلام حاصل گردیده است و مالک آن با نظر اعتباری و عاریتی در آن می‌نگرد و دغدغه رعایت تمامی جوانب استفاده و کاربرد آن را دارد مورد احترام دین است تا آنجا که احترام به اموال مومنان همانند احترام به جان آنان تلقی شده است.^{۱۲}

بنابراین، مسلمان می‌تواند با رعایت ضوابط مطرح شده در اصول دینی اسلام، مالک زمین، معدن، منابع و آب و انرژی و حاصل تصرف خویش بر طبیعت باشد که به شکل کالاهای سرمایه‌ای مطرح می‌باشد.

^{۱۰} . نجم - ۳۹.

^{۱۱} . غرض از مالکیت اعتباری که در مقابل مالکیت حقیقی است، آن است که آنچه در دست مردم است و آنان حق استفاده از آن را طبق شرایطی دارند، عاریتی است. امام رضا (ع) در این خصوص می‌فرماید: «او کان (الله تعالی) المالك النفوس و الاموال و سائر الاشياء الملك الحقيقي و کان ما فی ایدی الناس عواری» (الحیة، ج ۳- ۶۸) یعنی خداوند مالک حقیقی مردمان و اموال دیگر چیزهاست و آنچه در دست مردم است عاریت است.

^{۱۲} . پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: حرمة المال (المومن) کحرمة دمه (الحیة ۳- ۱۵۸) یعنی احترام مال مومن چون احترام خون اوست. همچنین امام رضا (ع) می‌فرماید: «و من قتل دون ماله فهو شهيد» (تحف العقول، ص ۳۰۹) یعنی، آن کسی که برای حفظ مال خویش کشته شود، شهید است.



افراد مالک نیروی کار خود هستند و می‌توانند آن را در هر نوع فعالیت اقتصادی سازگار با مصالح جامعه اعم از فعالیت برای خود و یا دیگران به کار گیرند و مالک نتایج مادی مشارکت خویش در امر تولید کالا و یا ارائه خدمات باشند. همچنین سود سرمایه مالک از طریق مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و کسب بازدهی احتمالی در تملک صاحب سرمایه باقی می‌ماند.^{۱۳} از آنجا که ممکن است افراد نخواهند و یا نتوانند به تنهای مالکیت عامل و یا عواملی از تولید را داشته باشند برای آنان این حق به رسمیت شناخته شده است که از طریق مشارکت که در آن ضوابط دینی رعایت شده باشد،^{۱۴} به فعالیتی اقتصادی مبادرت ورزیده، مالک درآمد و سود حاصله طبق ضوابط معین گردند. بنابراین مالکیت خصوصی چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی بر ابزار تولید مورد قبول نظام اقتصادی اسلام است. شهید صدر احکام مربوط به ایجاد مالکیت خصوصی از طریق انجام کار را در دو دسته مورد بررسی قرار می‌دهد. دسته اول که جنبه سلبی نظریه را تشکیل می‌دهد، شامل احکامی است که درآمدها و مالکیت‌های بدون انجام کار را نفی کرده و به رسمیت نمی‌شناسد و احکامی که ایجاد حق مالکیت را با انجام کار تایید می‌کند که در واقع جنبه ایجابی نظریه را تشکیل می‌دهد.

۲- آزادی اقتصادی در کادر باورهای دینی

اصل دوم اقتصاد اسلامی، اعطای آزادی محدود در چهارچوب ارزش‌های معنوی و اخلاقی است.

در نظام اقتصادی اسلام انسان، اعم از آنکه مصرف کننده و یا تولید کننده باشد و یا صاحب و مالک ابزار تولید باشد و یا نباشد از هر نوع قید و محدودیتی آزاد می‌باشد و فقط مقید به ضوابط و قواعدی است که او را به خدا می‌پیوندند، قیود که عین آزادی است. محدودیت آزادی اقتصادی فردی نتیجه منطقی بینش اسلام نسبت به فرد و جامعه است. همان گونه که اعتقاد به اصالت فرد و نفی وجود حقیقی جامعه موجب قبول آزادی‌های تقریباً نامحدود فردی است و اعتقاد به اصالت جمع و از بین رفتن هویت فرد در جامعه، نفی آزادی‌های فردی را به همراه می‌آورد، بینش اسلام مبنی بر حفظ هویت فرد در جامعه و شناختن وجود حقیقی برای هر دو، محدودیت‌هایی را برای آزادی اقتصادی ایجاب می‌کند. بر این اساس آزادی افراد در نظام اقتصادی اسلامی از دو محدودیت برخوردار است که یکی ذاتی و دیگر عینی است. محدودیت ذاتی، محدودیتی است که از روح انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد، و از آمیزش دستورات اقتصادی و اجتماعی اسلام با مبانی اعتقادی سرچشمه گرفته است. احکام و مقررات مربوط به تحریم ربا، احتکار، اسراف، بهره‌برداری از منابع طبیعی و مکاسب محرمه و همچنین پرداخت زکات و احکام دیگر عملاً آزادی‌های اقتصادی را محدود می‌کند. البته از آنجا که این محدودیت از اعتقاد درونی سرچشمه گرفته و افراد آن را آزادانه پذیرفته و انتخاب کرده‌اند، از طرف آنها احساس محدودیت نمی‌شود.

محدودیت عینی، محدودیتی است که از خارج از وجود انسان و براساس اصل نظارت حکومت اسلامی به وجود می‌آید. زیرا برای اجرای احکام اسلامی تنها به عامل درونی و مبانی اعتقادی افراد تکیه نشده است. گرچه این عامل در ایجاد انگیزه برای عمل افراد به احکام بسیار موثر و ضروری است، اما به هیچ روی کافی نبوده، دولت وظیفه نظارت بر حسن اجرای احکام و قوانین و حمایت از مصالح عمومی را به عهده دارد.^{۱۵}

^{۱۳} . کالاهای سرمایه‌ای از طریق بدست آوردن سود حاصله و سرمایه‌های نقدی از طریق مشارکت در فعالیت‌هایی نظیر فعالیت‌های بازرگانی و سهیم شدن در منافع حاصله در بازار تولید وارد می‌شوند. (تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۱، صص ۶۲۱، ۶۳۸، ۶۴۵، ۵۷۳).

^{۱۴} . تحریر الوسیله ج اول، صص ۶۲۶، ۶۲۷، سوره نساء - ۱۲.

^{۱۵} . نمازی، حسین - نظام‌های اقتصادی - ص ۲۳۴.



فارغ از چنین محدودیت‌هایی، مطابق اندیشه فقهای بزرگوار اسلام، انسان در کادر قانون علیت و نظام علت و معلول به عنوان یک عامل مختار، یعنی عاملی که پس از آنکه همه شرایط طبیعی برای انجام و یا ترک کاری فراهم گردید، در انتخاب فعل و یا ترک آن آزادی دارد. به عبارت دیگر عمل انسان از خواست و رضایت کامل او و تصویب قوه و تمییز او سرچشمه می‌گیرد و هیچ عاملی او را برخلاف میل و رغبت و رضا و تشخیص او را وارد نمی‌کند، نه قضا و قدر و نه عامل دیگری^{۱۶}. آیاتی که از قرآن که در آنها اختیار انسان در رقم زدن سرنوشت خودش مطرح شده است، بر آن است که تغییر وضعیت اجتماعی هر ملتی منوط به تصمیم خود آن ملت است.^{۱۷} و ستم وارده بر انسان‌ها منشأ در کردار خود آنان دارد.^{۱۸}

هدایت کردن و راه نشان دادن برای انسان و آزاد گذاشتن او در انتخاب و یا عدم انتخاب آن^{۱۹} و انتساب و گزینش ایمان و یا کفر خود انسان‌ها^{۲۰} و همچنین تبیین این مفهوم که کردار بد انسانهاست که موجبات فساد را فراهم می‌آورد همه و همه بر آن است که انسان با انتخاب آزاد خویش به تفسیر خویش می‌نشیند.

چنین انسان مفروضی در نحوه بکارگرفتن عوامل تولیدی که در اختیار دارد از هیچ محدودیت ناشناخته و از پیش تعیین شده‌ای برخوردار نبوده، زمین و یا امکانات سرمایه‌ای خود را به هر طریق و در تولید هر نوع کالا و یا خدمتی که با جهان بینی توحیدی وی ناسازگاری نداشته باشد، به کار می‌گیرد و در این بکارگیری رعایت قاعده عبادت پروردگار را براساس آنچه مفروض است^{۲۱} مطمح نظر داشته، مشارکت خویش را در صحنه تولید به نوعی سامان می‌دهد که احساس رضایت و هدف داری نماید.

صاحبان نیروی کار، آزادانه شغل مورد علاقه خود را که قاعدتاً براساس تامین نیروی انسانی مورد نیاز جامعه انتخاب می‌شود بر می‌گزینند و بدین ترتیب هیچ مسلمانی در نحوه بکارگیری نیروی کار خویش از اجبار برخوردار نمی‌باشد. نکته‌ای که به لحاظ روانی واجد اهمیت است آن است که چون افراد در گزینش نوع فعالیتی که مبتنی بر نیروی کار آنان است دغدغه احساسی و عبادی خدمت رسانی مفید به سایر بندگان خداوند را نیز در سردارند، لذا مشاغل منتخب به لحاظ عرضه در جهت سازگاری و تعادل با تقاضای نیروی کار برای مشاغل و حرف و ... خواهد بود. در عین حال از آنجا که فرد از آزادی کامل برخوردار است هرگونه شبهه‌ای دال بر اضطراب و مجبور بودن اشخاص برای پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی از پیش تعیین شده که در نتیجه می‌تواند با استقلال رای و نظر آنان تلقی شود بی‌مورد و مردود خواهد بود. بیان پروردگار متعال به هجرت در زمین وسیع^{۲۲} خداوند در موقعی که مشکلات اجتماعی اقتصادی و ... مانع از انجام تکلیف مفروض انسانهاست نیز می‌تواند موید این معنی باشد که هیچ انسانی مجبور به قبول شرایط تحمیلی برخورد نمی‌باشد و در یک کلام، نوع اشتغال، محل اشتغال خود را با نهایت آزادی انتخاب می‌نماید. واضح است که برای عملی شدن گزینش بهینه فرد احتیاج به مجموعه‌ای از اطلاعات متنوع در خصوص منابع تولیدی، تقاضا، تکنولوژی، قیمت و ... دارد که با توجه به آنها و با لحاظ کادر فکری و دیدگاه خویش به عرضه نیروی کار خود در شغل و محل انتخابی می‌پردازد، به کار گرفتن

^{۱۶} . شهید مطهری، مرتضی - انسان و سرنوشت - انتشارات انتشار - ص ۶۰.

^{۱۷} . رعد، ۱۱.

^{۱۸} . عنکبوت، ۴۰.

^{۱۹} . دهر، ۳.

^{۲۰} . کهف، ۲۹.

^{۲۱} . ذاریات، ۵۶.

^{۲۲} . نساء، ۹۷.



سرمایه و استفاده از طبیعت و تکنولوژی و مدیریت و نحوه تولید به لحاظ نوع تکنولوژی نیز در همین ارتباط توجیه خود را می‌یابند.

انسان دارای این آزادی است که درآمد حاصل از عرضه منابع تولید خویش که به صورت مزد و یا اجاره و یا سود (نه بهره)^{۲۳} بدست می‌آورد و یا سایر درآمدها و ثروتی که دارد را بعد از آنکه حقوق شرعی مفروض بر آن را پرداخت نمود، صرف مخارج کلیه موارد که به نظر او لازم و یا ضروری است و یا به نوعی موجب ایجاد مطلوبیت برای او شود بنماید و در این ارتباط هیچ محدودیتی که مخل آزادی او باشد متصور نیست.

بدیهی است که انسان مومن که در فضایی از اندیشه و قلمرو دینی زندگی خود را سامان می‌دهد و به اصل وحدت و یکپارچگی هستی و همچنین مسئولیت متقابل موجودات ایمان دارد، مصادیق هزینه خویش را ناسازگار با باورها و عقاید خود گزینش نمی‌نماید و لذا در عین آزادی و حریت نحوه هزینه درآمدهایش جهت دار و در راستای تحقق آرمان‌ها و اندیشه‌های دینی‌اش خواهد بود.

آزادی قابل تصور برای انسان مسلمان همچنین راهگشای مسیری است که فرد در انتخاب نوع کالاهای مصرفی (بادوام و کم دوام) و یا کالاهای سرمایه‌ای و یا انتخاب و گزینش مسکن و یا شغل و یا نحوه گذراندن دوران استراحت و حتی تخصیص ساعاتی از زمان برای خوابیدن این معنی را هم لحاظ می‌نماید که چنین هزینه‌هایی باید در نهایت او را به سمت ایفای وظایف الهی مفروض بر وی نزدیک و نزدیک‌تر نماید، یعنی مقصود از این مخارج آماده شدن برای ایفای نقش‌هایی است که بر عهده دارد و لذا مخارج مصرفی و انتخاب شغل و هر آنچه به انتخاب آزاد انسان در زندگانی اقتصادی اجتماعی بر می‌گردد، خود بخود از تمامی مقوله‌هایی که جزء نواحی مصرف در متون دینی ذکر شده است رها می‌گردد^{۲۴} و یا شدیداً توصیه شده است که برای مصرف برخی اقلام اولویت قائل نباشد.

آزادی انسان مسلمان در امور تولید و یا مصرفی همچنین بطور خودکار رافع بروز مشکلاتی خواهد بود که در تصادم احتمالی منافع فرد و جامعه ممکن است حادث شود. به عبارت دیگر رعایت آزادی در کادر باورهای دینی ضمن آنکه به اصل مسئولیت داشتن انسان در قبال هستی از طریق عدم ایجاد محدودیت برای او لطمه وارد نمی‌کند با روند عمومی جامعه نیز تضادی نخواهد داشت.^{۲۵}

فصل سوم

ضرورت بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری خارجی

دستیابی به هدف رشد و توسعه اقتصادی در هر کشوری مستلزم تشکیل سرمایه برای تأمین منابع مالی مورد نیاز طرح‌های اساسی و زیربنایی است (ذوالقدر، ۱۳۸۶: ۸۹). در جهان امروز اقتدار، دوام و قوام حکومت‌ها و جوامع با اقتصاد پیوند خورده است و سرمایه‌گذاری از عوامل مهم در تقویت بنیان‌های اقتصادی و توسعه هر کشور است. بدیهی است که سرمایه‌گذاری علاوه بر جبران استهلاک سرمایه‌های موجود و جایگزینی آنها با سرمایه‌های جدید، موجب پدید آمدن قابلیت‌ها و امکانات نوین در سیستم اقتصادی کشور و هم‌چنین افزایش رشد و توسعه در کنار ایجاد فرصت‌های جدید شغلی و بهبود رفاه عمومی و ارتقای سطح زندگی مردم می‌شود

^{۲۳} در اسلام بهره حرام و افراد درگیر با آن در حکم محارب با خدا و پیامبر اعلام شده‌اند. (بقره، ۲۷۹ - ۲۷۸)

^{۲۴} در متون دینی موارد بسیاری است که مسلمانان از مصرف آنها نهی شده‌اند (به عنوان مثال مصرف مشروبات الکلی)

مائده، ۹۰ و بقره، ۲۰-۲۱۹.

^{۲۵} سیحانی، حسن - نظام اقتصاد اسلام - نشر تبلیغات اسلامی - ۱۳۷۳ - ص ۸۲.



(ز ف ، ۱۳۷۹: ۲) . سرمایه گذاری^{۲۶} ، به معنی گذاشتن پول در چیزی با انتظار سود از آن است. به طور دقیق تر سرمایه گذاری تعهد پول یا سرمایه برای خرید مالی وسایل یا دارائی‌های دیگر، به منظور منفعت برگشت های سودمند و مفید در قالب بهره، سود سهام یا قدردانی از ارزش وسایل (منافع سرمایه) است. سرمایه گذاری به دو قسم سرمایه گذاری داخلی و خارجی تقسیم می شود. سرمایه گذاری خارجی^{۲۷} به : « انتقال وجوه یا مواد از یک کشور به کشور دیگر جهت استفاده در تأسیس یک بنگاه اقتصادی در کشور اخیر در ازای مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم در عواید آن » (رینلد، ۱۹۸۵ : ۲۴۶) اطلاق می گردد. این نوع سرمایه گذاری در قالب تولید و ساخت کالا ، استخراج مواد خام ، تأسیس و گسترش نهاد های مالی و ... در فراسوی مرز های ملی صورت می گیرد. سرمایه گذاری خارجی در یک تقسیم بندی کلی به دو قسم سرمایه گذاری مستقیم خارجی^{۲۸} و سرمایه گذاری غیرمستقیم خارجی^{۲۹} تقسیم می شود. سرمایه گذاری مستقیم خارجی حکایت از رابطه دائم میان سرمایه گذار و سرمایه پذیر، به ویژه فرصتی برای نفوذ واقعی بر اقدامات کشور میزبان توسط سرمایه گذار دارد (وافو، ۱۹۹۸ : ۳) . سازمان تجارت جهانی نیز در تعریف آن می گوید : « FDI زمانی صورت می گیرد که سرمایه گذار یک کشور مبداء یک دارایی را در کشور دیگر با هدف مدیریت آن ، بدست می آورد» (برادلو و اسکار، ۲۰۰۰ : ۳). سرمایه گذاری غیر مستقیم خارجی به آن دسته از سرمایه گذاریها اطلاق می شود که اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی به صورت خرید اوراق بهادار از یک مؤسسه یا شرکت مالی بدون آنکه مستقیماً در امر مدیریت وارد شوند سرمایه خود را در اختیار کشور میزبان قرار می دهند . خرید اوراق قرضه و سهام شرکت ها در معاملات بورس و قبوض سپرده در بانک های خارجی از انواع این سرمایه گذاری می باشند. اساسی ترین ایراد این نوع از سرمایه گذاری سیال و بی ثبات بودن آن است به نحوی که به طور مثال بحران جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ ناشی از فرار این نوع از سرمایه ها بود (تامسون ، ۲۰۰۲ : ۸۷).

در شرایطی که کشورها از نظر رویکرد توسعه ای به شدت متقاعد به سرمایه گذاری و جذب سرمایه های داخلی و خارجی بودند، در کشور ما چنین نیازی کمتر احساس می شد، زیرا در آمد سرشار نفتی زمینه سرمایه گذاری های مختلف و نیاز به جذب آن را از بین می برد. با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و خروج شتاب زده سرمایه گذاران از کشور ، آنها تقریباً تمام زبان های متحمل شده خود و شاید حتی بیشتر از آن را با حکم دادگاه های بین المللی دایر بر برداشت از اموال توقیف شده در خارج از ایران ، جبران کردند اما در دوران بعد که نیاز کشور به سرمایه گذاری مستقیم خارجی به صورت روز افزونی افزایش یافت چه موقعیت داخلی و چه تغییر رویکرد جهانی نسبت به اهداف کوتاه مدت و دراز مدت این سرمایه گذاری ها ورود آنها را به کشور مشکل تر می ساخت. در این میان وجود خلاء یا نواقص بسیار قانونی و موانع سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی نیز باعث ایجاد موانع گسترده بر سر راه جذب سرمایه گذاری در ایران به شمار می آمد .

ممکن است کسی بپندارد که اسلام اساساً ثروت را مطرود و به عنوان یک امر پلید و دور انداختنی می شناسد. چیزی که پلید و مطرود و دور انداختنی است دیگر مقرراتی نمی تواند داشته باشد. به عبارت دیگر مکتبی که نظرش درباره یک شیء معین این است که آن چیز دور افکنده است آن مکتب نمی تواند مقرراتی درباره آن چیز داشته باشد و همه مقرراتش این خواهد بود که آن چیز را به وجود نیاورید، دست به آن نزنید، دست به دست نکنید، مصرف نکنید، همچنانکه درباره مشروب چنین مقرراتی آمده است: « لعن الله بايعها و مشتريها و آكل ثمنها و ساقبها و شاربها » . . . خدا لعنت کند فروشنده و خریدار شراب و خورنده پول آن و

۱- Investment
 ۲۷ - foreign investment
 ۲۸ - foreign direct investment
 ۲۹ - foreign portfolio investment



تقسیم کننده و خورنده آن. جواب این است که این نظر، اشتباه بزرگی است. در اسلام مال و ثروت هیچوقت تحقیر نشده است، نه تولیدش، نه مبادله اش، نه مصرف کردنش، بلکه همه اینها تأکید و توصیه شده است و برای آنها شرایط و موازین مقرر شده است و هرگز ثروت از نظر اسلام دور افکندنی نیست بلکه دور افکندنش (اسراف، تبذیر، تضييع مال) حرام قطعی است. اسلام که پول پرستی را محکوم کرده است پول و ثروت را محکوم نکرده است، زیرا:

الف. تولید ثروت مانند کشاورزی، دامداری، صنعت و غیره توصیه شده است.

ب. مبادله ثروت یعنی تجارت و داد و ستد توصیه شده است.

ج. مصرف رساندن ثروت از نظر شخصی در حدود احتیاجات فردی خالی از هر نوع تجمل و اسراف که مفسد انسان است توصیه شده است.

د. تبذیر و اسراف و تضييع آن ممنوع است.

ه. مقررات سخت قضائی و جزائی در مورد حیف و میلها و سرقتها و خیانتها وضع شده است.

و. دفاع از مال در حکم جهاد و کشته در این راه شهید تلقی شده است.

ز. برای مال بر انسان حقوقی قائل شده است.

ح. خود ثروت در کمال صراحت در قرآن کریم به عنوان "خیر" نامیده شده است: «کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترک خیرا الوصیه للوالدین و الاقربین» (بقره، آیه ۱۸۰): بر شما نوشته شده در هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد اگر چیز نیکویی (مالی) از خود به جای گذارده برای پدر و مادر و نزدیکان بطور شایسته وصیت کند.

با توجه به مطالب فوق و دهها دلیل از کتاب و سنت اساساً مال و ثروت و بکارگیری آن از نظر اسلام امری پسندیده و صحیح به شمار می رود. نگرش اسلام به اصل اموال و سرمایه، بسیار مثبت است. اموال و هرگونه کالا که بگونه ای نیازهای بشری را برآورد، در نظر اسلام، امری حیاتی و عامل بقاء و برپایی جامعه، و راه تداوم حیات انسانی، و رشد دین و دین باوری است. این موضوع راه، در سراسر تعالیم اسلامی به روشنی می بینیم که با تعبیرهایی گونه گون، از ضرورت تمتعات زندگی، و حیاتی بودن اموال و کالاها سخن گفته و سهم اصولی «اموال» را در جامعه انسانی، تبیین کردند.

استفاده از سرمایه گذاری خارجی، به خودی خود نمی تواند مغایرتی با اسلام و اهداف جامعه اسلامی داشته باشد. چون در سرمایه گذاری خارجی دولت یا بخش خصوصی یک کشور با سرمایه خود، و بدون این که بابت سرمایه از کشور میزبان، سرمایه، بهره، سود و امثال آن را مطالبه کند، در قلمرو کشور دیگری سرمایه گذاری می کند. بدیهی است این سرمایه گذاری می تواند براساس قوانین در زمینه های معین و تعریف شده و به همین جهت هدایت شده باشد. اما نکته مهم و اساسی که اذهان برخی را سخت تحت تاثیر قرار می دهد تأکید اسلام بر استقلال و عزت جامعه اسلامی است که قاعدتاً چنانچه در این فعالیت، حساسیتها و ظرافت های لازم لحاظ گردد و در خصوص فعالیت سرمایه گذاران آینده نگرهای کافی شود نه تنها این فعالیت مغایر استقلال و عزت جامعه نیست بلکه می تواند از طریق مزایا و فوایدی که برای اقتصاد میزبان تدارک می بیند، بر سطح تولید و اشتغال آن بیفزاید و در نتیجه از طریق افزایش رفاه مردم در ارتقای سطح زندگی آنان هم مؤثر باشد. این فواید و مزایا می تواند دربرگیرنده انتقال دانش فنی هم باشد، لذا همان طور که ملاحظه می شود امکان افزایش عزت و تقویت استقلال هم از طریق این نوع سرمایه گذاری وجود دارد.



نباید پنداشت که جهانی شدن تجارت تحفه فرنگ است و تحت سیطره آمریکا یا اروپا یا امپریالیسم دیگری قرار دارد باید به جهانی شدن کمک کرد تا از جهانی شدن سهم گرفت و شریک بود. در هر مورد کسانی سهم بیشتری می برند که کمک بیشتر می کنند. جامعه ی ایرانی نیز باید شهامت و قدرت در جنبه های مختلف جهانی شدن وارد شود تا به قدر فرهنگ ارزشمند ایرانی و اسلامی خود سهم بردارد. مخالفت یا کناره گیری از جهانی شدن موجب عقب افتادگی است.^{۳۰}

در جهان امروز هر کشور، از جهتی توانمند و از جهتی دیگر ناتوان است می توان به اهمیت سرمایه گذاری خارجی پی برد. در یک کشور مواد اولیه خام وجود دارد، دیگری نیروی کار فراوان دارد، کشور سوم دارای سرمایه است و دیگری از فناوری ویژه ای برخوردار است. هر یک از اینها توانمندی ارزشمندی است که به خودی خود کمتر موجب پیشرفت یک کشور خواهد شد ولی از پیوند آنها چرخه صنعت و تولید به حرکت در می آید و مواد اولیه به کمک نیروی کار و به موجب فناوری مربوطه ، به مدد سرمایه گذاری لازم در فرآیند تولید کالای مصرفی در می آید و مآلاً منتهی به رفاه حال عمومی برای مردم می شود حلقه اتصال این توانمندی ها سرمایه گذاری خارجی است که موجب آن تبادل سرمایه، فن آوری، دانش فنی و دیگر توانمندی ها، میسر می شود.^{۳۱}

در جهان امروز، سرمایه همیشه به دنبال جایی است که در آن خطر اندک و سود یا بازده اقتصادی زیاد باشد، سرمایه گذاران امروز همچون مرغان زیرکی هستند که در پهنه گیتی به دنبال روزی خود در پروازند و در هر سرزمینی که آب و دانه بیشتری ببینند و خطر کمتری احساس کنند فرود می آیند. گر چه قبول بلاشرط سرمایه گذاری خارجی توسط یک کشور به هیچ وجه قابل توصیه نیست، بستن درهای کشور نیز به روی آنها نمی تواند قابل قبول باشد. عملکرد نا مطلوب بعضی از شرکتهای فراملی در کشورهای جهان سوم را وارد است، در مقابل، بررسی و پیشرفتهای صنعتی تعداد قابل توجهی از کشورهای در حال رشد در جهت سازندگی و اتخاذ سیاستهای مناسب می تواند یک کشور ضعیف و توسعه نیافته را در مدتی کمتر از دو دهه در صف کشورهای پیشرفته جای دهد. امروزه با توجه به شکوفایی اقتصادی بی نظیری که در نتیجه اتخاذ سیاستهای مساعد سرمایه گذاری خارجی در بعضی از جوامع شرق آسیا به وجود آمده است اکثر کشورهای در حال توسعه به فکر تقلید از این نمونه های موفق، افتاده و در عرضه ی مشوق های سرمایه گذاری خارجی با یکدیگر به مسابقه برخاسته اند. البته این کشورها نگرانی های مربوط به عوارض نامطلوب سرمایه گذاری خارجی را از یاد نبرده اند و سعی دارند سیاست های خود را به نحوی تنظیم کنند که ضمن بهره گیری هر چه بیشتر از این روش جدید از آثار ناخواسته آن نیز حتی الامکان احتراز نمایند.^{۳۲}

در نظام اسلامی باید سیاست‌گذاری‌ها و عملکردها به گونه‌ای باشد که استقلال و عزت جامعه در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نه تنها تثبیت و تحکیم گردد، بلکه هیچ خدشه‌ای هم به آن وارد نیاید، اما به صورت یک گزاره کلی نمی‌توان اذعان نمود که استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی با این اصول منافات دارد، گرچه عدم ساختار مناسب اجتماعی - اقتصادی کشور و چگونگی استفاده از سرمایه‌های خارجی و شرایطی که

^{۳۰} - خزاعی، حسین، مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین المللی، نشر جنگل، سراغاز.

^{۳۱} - علیدوستی شهرکی، ناصر. حقوق سرمایه گذاری خارجی، نشر خرسندی، ص ۹.

^{۳۲} - دونالد لکرو... و (دیگران)؛ تدوین و اجرای سیاست های سرمایه گذاری خارجی. ترجمه (غلامحسین رهبری)



نوعاً همراه با ورود سرمایه و خروج آن از کشور مطرح می‌شود، ممکن است استقلال و عزت جامعه اسلامی را خدشه‌دار سازد.

البته اگر به درستی رشد و توسعه اقتصادی را که خود موجبات استقلال و عزت جامعه اسلامی را فراهم می‌آورد، ضروری بدانیم، گاهی ممکن است به دلیل عدم وجود منابع مالی کافی داخلی، استفاده از منابع خارجی را مطلوب بدانیم. در این صورت باید شرایط صریح و ضمنی مورد نظر سرمایه‌گذار را به دقت بررسی نمود، اثرات کوتاه مدت و بلند مدت آنرا در نظر گرفت و با شناخت دقیق از تبعات مثبت و منفی آن نسبت به قبول یا رد آن اقدام کرد. در این میان بررسی نظریات و اصول مطروحه در نظام های مختلف اقتصادی از جمله نظام سرمایه داری، سوسیالیسم و مکتب اسلام، امری ضروری در تبیین مبانی و زمینه های نظری توجیه سرمایه گذاری و بهره مندی از انواع مختلف آن، به شمار می رود. در این میان آنچه که اسلام را بصورت یک دین ممتاز و برجسته و قابل اجراء در هر زمان درآورده است، این است که تمام شئون زندگی بشر را در نظر داشته و اصولاً با نظامات خاص ابتکاری خود، تمام قسمت های زندگی بشر را در مسیر تکامل واقعی انداخته است.^{۲۳}

نتیجه گیری:

- ۱- بر اساس احکام و اصول اسلامی و بر خلاف دیدگاه عده ای معدود سرمایه و سرمایه گذاری امری مزموم نیست و می تواند با رعایت قوانین و مقررات در منافع جامعه اثر گذار بوده و توسعه اقتصادی کشور را به دنبال داشته باشد.
- ۲- اغلب معضلات اجتماعی و به تبع آن جرایم ارتكابی ناشی از فقر و بیکاری در جامعه می باشند، با مهندسی معکوس و با ریشه یابی تراکم و ترافیک موجود در محاکم قضایی، می توان با ایجاد ثبات اقتصادی و حمایت از تولید سرمایه و اشتغالزایی از بیکاری و فقر و در نهایت از پرونده های قضایی کاست.
- ۳- در احکام اسلامی و قوانین کشور حمایت های لازم از مالکیت خصوصی و کسب و کار مشروع (اصول ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی) وجود دارد و برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی امنیت لازم و کافی وجود دارد.
- ۴- قانون جلب و حمایت از سرمایه گذاری خارجی به طور ویژه تمامی شرایط را برای سرمایه گذاری خارجی فراهم کرده است و این قانون با استانداردهای مدرن و پیشرفته جهانی سازگاری دارد.
- ۵- بوسیله اجتهاد و اصول فقهی امکان انطباق مسائل و مشکلات روز با احکام ثابت دینی وجود دارد و با توجه به تاثیر مقتضیات زمان و مکان، احکام متناسب در هر موضوع صادر می شود و حمایت از تولید و سرمایه و سرمایه گذاری خارجی نیز از این امر مستثنی نیست.
- ۶- قوانین و مقررات داخلی ایران در خصوص سرمایه و سرمایه گذاری خارجی با حقوق بین الملل و حقوق کشورهای در حال توسعه سازگاری دارد، لیکن رویه های اجرایی غلط و بوروکراسی های کسل کننده و فرهنگ غلط موجب شده است، مقررات یاد شده این لازم را در عمل نداشته باشند.
- ۷- در حقوق اسلامی مالکیت، سرمایه و منفعت و حقوق راجع به آن محترم شمرده شده است و دولت اسلامی از منابع مالی امکان در اختیار بهره می گیرد.

^{۲۳} - صالحی کرمانی، محمدرضا، نظام اقتصادی سرمایه داری، کمونیزم، اسلام، پایگاه مجلات تخصصی نور، شماره ۱، ۱۳۸۳.



منابع :

- ۱- کلام الله مجید
- ۲- امام خمینی ؛ تحریر الوسیله . تهران ، المكتبه العلمیه الاسلامیه .
- ۳- انصاری ، شیخ مرتضی ، المكاسب ، قم ، دارالحکمه : ۱۳۷۰ .
- ۴- بجنوردی ، سید محمد کاظم ، القواعد الفقهیة ؛ تهران ، میعاد ، ۱۳۷۲ .
- ۵- خراعی ، حسین ، مقدمه علم حقوق تجارت داخلی و بین المللی نشر جنگل ، ۱۳۸۸ .
- ۶- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ؛ مبانی اقتصاد اسلامی . نشر مهر (قم) ۱۳۷۱ .
- ۷- دونالد لکراو ... و (دیگران) ؛ تدوین و اجرای سیاست های سرمایه گذاری خارجی . ترجمه (غلامحسین رهبری) نشر وزارت امور خارجه ۱۳۷۳ .
- ۸- ذوالقدر ، مالک ، مبانی نظری سرمایه گذاری مستقیم خارجی ، فصلنامه سیاست ، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، ۱۳۸۸ ، دوره ۳۹ ، شماره ۲
- ۹- ژف ، مرجان ، «دیدگاه و تحلیلها درباره طرح اصلاح قانون جلب و جذب سرمایه گذاری خارجی» ، اداره کل پژوهش معاونت سیاسی صدا سیما، گروه اقتصاد ، شهریور ۷۹
- ۱۰- سبحانی، حسن - نظام اقتصادی اسلام - نشر سازمان تبلیغات اسلامی - ۱۳۷۳ .
- ۱۱- شهید صدر، محمدباقر - اقتصاد ما - ج ۱. ص ۳۵۸ - ترجمه : موسوی بجنوردی ، محمد کاظم ، موسسه ی انتشارات اسلامی
- ۱۲- شهید مطهری، مرتضی - انسان و سرنوشت - انتشارات انتشار .
- ۱۳- صالحی کرمانی ، محمد رضا ، نظام اقتصادی سرمایه داری ، کمونیزم ، اسلام ، پایگاه مجلات تخصصی نور، شماره ۱ ، ۱۳۸۳ .
- ۱۴- عبدالرحمن عسال و عبدالکریم احمد، الملكية المزدوجه، قراءات فی المالیة العامه فی الاسلام، النبک الاسلامی للتمینه، ۱۴۵۱ ق .
- ۱۵- علیدوستی شهرکی ، ناصر ، حقوق سرمایه گذاری خارجی قواعد حاکم بر حل و فصل اختلافات نشر خرسندی ۱۳۸۹ .
- ۱۶- کرمی ، محمد مهدی / پورمند ، محمد . پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی . سمت : ۱۳۸۰ .
- ۱۷- مکارم شیرازی ، ناصر ؛ القواعد الفقهیة ، قم ، مدرسه الامام امیرالمومنین (ع) ۱۴۱۶ ق .
- ۱۸- نمازی، حسین - نظامهای اقتصادی اسلام . نشر سازمان تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۳ .

19-Bradlow, Daniel & Alfred Escher, (2000), Legal Aspects of Foreign Direct Investment, London, Boston: Kluwer Law International.

20- Rieneld , S.A ., (1985), Encyclopedia of Public International law , Vol , 8. Amesterdam.

21- Thompson, Graham, (2002), "A globalizing World?" In chpter 3. Economic Globalization?

22- Wafo, Kamga & Guyleopold, (1998), "political Risk and foreign Direct Investment", Faculty of Economic and Statistics , University of Konstanz.